

علیه سرمایه

تربیون کارگران ضد سرمایه داری

شماره ۶۲ / خرداد ۱۴۰۱

• جنبش کارگری ایران در

دوماه اول سال ۱۴۰۱

• تعرض رعب انگیز سرمایه

به سفره بی نان توده های کارگر

• پزشکان کارگر، پزشکان سرمایه دار

• آزاد سازی قیمت ها : راه حل

رژیم برای فرار از بحران

• گزارش اعتراضات کارگری

روز های اخیر

جنبش کارگری ایران در دوماه اول سال ۱۴۰۱

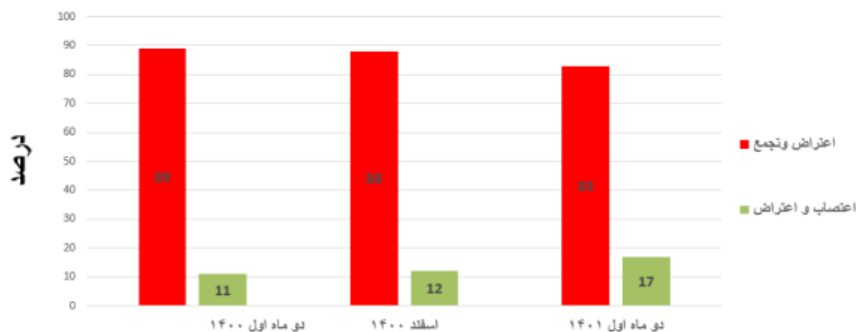


ابراهیم پاینده / خرداد ۱۴۰۱

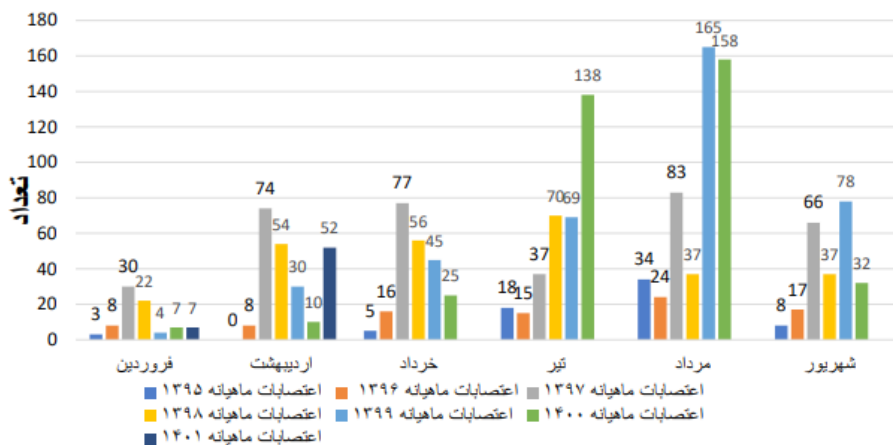
کاهش اعتراضات و اعتصابات کارگری در ماه های اول سال بنا بر تجربه چندین ساله معمول است همان گونه که جنبش کارگری ایران چون سال های پیش در اواخر سال گذشته نیز شدت بیشتری گرفت و این در شمار اعتصابات، اعتراضات و هم چنین شمار کارگران شرکت کننده هویدا بود. اما در این دوماه شاهد بیش از دو برابر شدن این اعتراضات نسبت به مدت مشابه سال گذشته بودیم. در سال گذشته همین موقع ۱۶۵ اعتراض و اعتصاب صورت گرفت حال آن که در فروردین و اردیبهشت امسال ۳۴۷ اعتصاب و اعتراض بدون احتساب اعتراضات و شورش های خیابانی اردیبهشت امسال! شورش توده های کارگر و تظاهرات در خوزستان در اعتراض به گرانی ها از جمله گرانی نان از شامگاه روز پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت آغاز شد و تا دوهفته (۳۰ اردیبهشت) نه تنها ادامه یافت بلکه شدت گرفت و به شهرهای استان های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و لرستان گسترش یافت. شهرهای شادگان، حمیدیه، هفشجان، سورشجان، گلپایگان، شهرکرد، دزفول و به شهرک کاروان تهران، کرج، شیراز، اهواز و اصفهان رسید. در برخی شهرها توده های کارگر به مراکز پایگاه بسیج و حسینییه ها حمله کرده و به آتش خشم خود کشیدند. توده های کارگر و بخصوص جوانان شجاع کارگر زیر فشار گرسنگی، فقر، بیکاری و افزایش بی انقطاع مایحتاج زنده ماندن و مرگ ناشی از فلاکت که همه را به ستوه آورده است به مراکز قدرت سرمایه، حوزه های نفرت انگیز و دورغ پراکنی و عوام فریبی رژیم سرمایه حمله کردند. این اعتراضات خارج از اعتصابات کارگران واحد های کار و تولید نبوده و نیست. در ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ اعتصابات کارگران پیمانی نفت، گاز و پتروشیمی ها آغاز شد که با خواست افزایش دستمزد، کاهش روزهای کاری به ۲۰ روز بود که همزمان با شورش های کارگری ادامه یافت و به بسیاری واحد های تولیدی در مناطق صنعتی عسلویه، بوشهر، کنگان، بهبهان، شهرستان خنج، بندر عباس، شهرستان دهلران، اسلام آباد غرب، گچساران، اهواز و حتی تهران گسترش یافت. اعتراضات کارگران حوزه آموزش سرمایه نیز که بطور مرتب از قبل علیه دستمزدهای نازل، عدم امنیت

شغلی ادامه داشت از روز اول اردیبهشت شدت گرفت و به بیش از ۴۳ شهر رسید. نظم اسلامی سرمایه از همان ابتدا از وحشت گسترش اعتراضات کمر به سرکوب بست و جو شدید امنیتی در تهران و بسیاری شهر های دیگر جهت ممانعت از هرگونه تجمع اعتراضی ایجاد نمود که به بازداشت حداقل حدود ۴۰ معلم که برخی از آن ها هنوز در سیاهچال های شکنجه گرفتارند انجامید. علت افزایش تعداد اعتصاب ها و اعتراضات (فروردین، اردیبهشت امسال) به بیش از دو برابر دوماه اول سال پیش گسترش فقر، افزایش سونامی وار حاشیه نشینی، بی خانمانی با وجود تولید انبوه کوهساران اضافه ارزش ها و سود سرمایه است. مانع اصلی ما عدم اتکاء به نیروی خود، فروماندگی ما توده های کارگر از بازشناسی قدرت تاریخساز پیکار طبقاتی خود و احساس عجز از سازماندهی شورائی ضد سرمایه داری و سراسری این قدرت است. جنبش شورایی کارگران مظهر هستی اجتماعی آگاه، رادیکال ضد سرمایه داری و قدرت برنامه ریزی کار و تولید و زندگی اجتماعی آینده ما است. مشکل کم بود، کاهش و افزایش اعتراضات، تغییر شکل آن و حتی کاهش تعداد اعتصابات نیست. مشکل ما کارگران و نبرد های پراکنده ما در زمینگیر بودن و فاقد حداقل تدارک لازم برای میدان داری و صف آرائی مستقل ضد سرمایه داری است. سرمایه از روز پیدایش با کل ظرفیت های اجتماعی خود، با استفاده از کلیه سلاحها، امکانات تبلیغاتی و فرهنگی خود این تصور مسموم و مهلک را در عمق شعور ما کارگران کشت کرده است که گویا خود ما هیچ چیز نیستیم! منشأ هیچ تغییر و تبدیل و تحولی نمی باشیم! مشتی مفلوک، مستضعف و محکوم به فرودستی و استثمارشوندگی ایم، هر نوع گشایشی در زندگی ما نیازمند اعجاز، رهبران، قهرمانان، اندیشه پردازان و سیاست آفرینی نیروهای منجی و ماوراء زندگی ما است. در بهترین حالت گفته می شود که ما فقط قادر به تولید سود و سرمایه هستیم و قدرت فکر کردن و اتخاذ تصمیم از آن سرمایه داران، احزاب بالای سر ما و خلاصه چیزی خارج از وجود و هستی اجتماعی ما است. حال آن که جنبش کارگری ایران در همین چند سال اخیر و در متن این مبارزات گام های مؤثری به جلو برداشته است. گام هایی که در عین کوچک بودن واجد اعتبار تاریخی هستند. تداوم اعتراضات و اعتصابات علیه سرمایه داران، گسترش اعتصابات به شهرها و تبدیل آنها به خیزش های منطقه ای و حتی سراسری، همصدائی در خواستها، پشتیبانی بخشهای مختلف طبقه کارگر از مبارزات یکدیگر، جرقه اتکاء رادیکال به قدرت طبقاتی خود، جهتگیری محدود برای سازمانیابی شورائی، فریاد تصرف شورائی مراکز کار، شواهد این بالندگی می باشند. این ها همه از رشد آگاهی طبقاتی ما سخن می گویند.

مبارزه طبقاتی کارگری در ایران در دو ماه اول ۱۴۰۱ در مقایسه با سال پیش



تعداد اعتصابات ماهیانه نیمه اول هر سال از سال ۹۵



تعرض رعب انگیز سرمایه

به سفره بی نان توده های کارگر



مزدک کوهکن / خرداد ۱۴۰۱

سرمایه داری ایران در همه وجوه هستی خود، از چرخه تولید و سامان پذیری سرمایه گرفته تا ساختار نظم سیاسی، راهبرد توسعه طلبی و سهم خواهی های منطقه ای، سناریوی تسویه حساب های غلاف در غلاف اندرونی و بین المللی، اسیر بحران، فروپاشیدگی، بن بست های فرساینده و تناقضات حاد کوبنده است. چرخ تولید، سیاست، نظم، حاکمیت سرمایه نمی چرخد، حجم سرمایه گذاری ها کوه آسا، نرخ اضافه ارزش ها حیرت زا، سودها پر خروش و طغیان آمیز، شدت استثمار کارگران مرگ آور است، اما سونامی اضافه ارزش ها، نه عطش مشتعل طبقه سرمایه دار برای انباشت افراطی سرمایه راهیج تشفی می بخشد، نه کفاف هزینه های کپکشانان ماشین اختاپوسی نظم سیاسی و دستگاههای اعمال قهر فیزیکی و فکری سرمایه را می دهد، نه هزینه های مستمر را به افزون بحران آفرینی های سهم خواهانه و زیادت طلبانه منطقه ای جمهوری اسلامی را پاسخگو است و نه حتی جوع ماوراء افراطی خیل کثیر باندهای مافیائی درون ساختار قدرت و شرکای کثیرالعهده تر آنها به بلع افعی وار حاصل استثمار کارگران را آرام می سازد. سرمایه، دولت و حاکمیتش به اضافه ارزش های غول آسوتر نیاز دارند و در این شرائط وانفسا تنها راه پیش روی آنها، سلاخی هر چه سبعمانه تر سفره های خالی کارگران با هدف افزایش سهم سود طبقه سرمایه دار و رژیم حاکم سرمایه است. فاشیسم اسلامی بورژوازی در راستای رفع این نیاز و تأمین حتی المقدور این هدف، دستیازی همزمان به چند تعرض جنایت آمیز علیه خورد و خوراک و لباس و معاش و دارو و درمان توده های کارگر را دستور کار ساخته است اینک:

۱- آنچه را پیش تر در شروع سال جاری، زیر نام افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها جنجال گردید، باطل و ملغی اعلام کند. ۲- «کمک هزینه» موسوم به «یارانه» را در وسیع ترین سطح از میان بردارد و پرداختش را برای همیشه منتفی سازد. ۳- و بالاخره قیمت ها به ویژه بهای مایحتاج اولیه و حیاتی توده های کارگر را بسیار انفجار آمیزتر از سابق افزایش دهد. اعمال همزمان این سه تعرض فاحش فاشیستی به معیشت و درمان دهها میلیون نفوس توده کارگر که همین امروز هم لقمه نانی برای سیر کردن شکم گرسنه و طاقه کرباسی برای پوشاندن اسکلت عریان خویش ندارند، با هیچ عبارتی قابل توصیف نیست، آنچه می

توان گفت این است که رژیم در حال برنامه ریزی، سازماندهی و اجرای طرح هولناک قتل عام معیشت کارگران به امید پاسخ به انتظارات ددمنشانه سرمایه داران و تضمین بقای سرمایه داری است. این قتل عام موحش شرم آور اینک در آستانه اجرا است، رخدادهای سیاه رعب انگیزی که هیچ کارگری نمی تواند خود را نسبت به لزوم تدارک آگاهانه و سنجیده برای پاسخ قاطع و چاره ساز به آن بی تفاوت ببیند.

رئیس جلا، زمخت و عریان تصریح کرده است که مصوبه افزایش مزدها با شاخص ۵۷٪ را دور می اندازد، در بهترین حالت به یک فزونی ۱۰ درصدی تن می دهد، این را نیز به هیچ وجه تعهد نمی کند، او عملاً چنین نموده است، در حالی که نیمه نخست ماه سوم سال در حال پایان است، هنوز هیچ کارگری هیچ ریال افزایش مزد متعارف سالانه دریافت نکرده است، هیچ سرمایه دار یا هیچ مؤسسه دولتی سرمایه حاضر به دادن هیچ توضیحی در این گذر نگردیده است. بر اساس اطلاع، نهاد حکومتی موسوم به «شورای عالی کار» خواسته است «اظهار لحنیه» کند، زیر نام یک سازمان حقوقی بورژوازی نقش خود در تنظیم و تقریر مصوبه را متذکر گردد، از مزایای کثیر آن برای رفع خطر جنبش کارگری از سر سرمایه گوید و در همین راستا خواستار انصراف دولت از الغای کامل مصوبه افزایش مزدها شود، اما پاسخ محکم رئیس سفاک به نهاد مذکور، با زبان زمینی حقوق، نظم و قهر سرمایه آن بوده است که در این روزهای حساس هیچ توجیهی برای دخالت مترسکهای تشریفاتی وجود ندارد، یادشان آورده است که «شورای عالی کار» اهرم فریب بورژوازی برای روزهایی است که سرمایه هزینه لازم فریبکاری ها را دارد، الان زمان تحمل این هزینه ها نیست، دولت وی نیز نه مأمور قهر ملبس به مماشات که از سلاله هیأت مرگ ۶۷ و درو نمودن ۷ هزار، ۷ هزار هر نفس کش معترض می باشد، رئیس اخطار داده است که پرونده افزایش مزد ۵۷ درصدی مختومه است و امکان گشایش مجددش وجود ندارد.

در مورد «یارانه ها» نیز تصمیم رژیم به سلاخی، محدودسازی وسیع فوری و حذف کامل هر چه سریع تر آن در یکی، دو سال آتی قطعی است. «همت قلی زاده» کارشناس اقتصادی رژیم در حوزه پرداخت یارانه می گوید: خانوارهایی که دارای یک واحد مسکونی و یک خودرو هستند، آنهایی که سه سفر خارجی غیرزیراتی دارند، کسانی که یک خودرو عمومی ۴۰۰ میلیون تومانی دارند، مشمول دریافت یارانه نمی گردند. جمهوری اسلامی از بدو پیدایش تا امروز برای هیچ یک از بربریتها و تهاجمات فاشیستی تیموروار خود علیه توده کارگر نیاز به طرح هیچ توجیهی ندیده است، تا چه رسد به اینکه بخواهد برای شیوه تفسیر تصمیمات خویش حد و مرز یا ملاکی قائل باشد. بندهای تصویبنامه دولتی مورد استناد «قلی زاده» در ادبیات فاشیسم اسلامی بورژوازی تعبیرات بسیار روشنی دارد، هر کارگری که دارای یک کومه مسکونی باشد، چهار چرخه با وام بانکی و بهره سنگین برای شیفیت دوم و سوم روزانه کار و ترمیم ناقص هزینه معاش اولاد در اختیار داشته باشد، سفری به ترکیه، ارمنستان یا آذربایجان برای دیدار پدر، مادر، خویشاوند رفته باشد، نام او از لیست یارانه بگیران حذف می گردد. در نظر بیابوریم که فقط شمار کارگران مجبور به حمل مسافر به عنوان کار دوم و لاجرم مجبور به داشتن یک وانت بار سر به چند میلیون نفر می

زند، تعداد کارگرانی هم که سرپناهی برای بیتوته فرزندان ساخته باشند، از این رقم بیشتر است، همه اینها مستطیع و بی نیاز از یارانه قلمداد خواهند گردید و کمک هزینه دریافت نخواهند کرد.

تعرض سوم از همه اینها طوفانی تر و ویرانگرتر است. سیر صعودی جهش وار قیمت ها که پدیده همیشه جاری و همه جا مستولی سرمایه داری ایران در عصر رژیم اسلامی بوده است از هم اکنون روند انفجار پیش گرفته است، بر اساس همه آمارها متوسط بهای مایحتاج اولیه معیشتی کارگران در طول چهار سال اخیر بیش از ۶۰٪ افزایش یافته است و این در حالی است که آنچه زیر نام مزد به توده کارگر پرداخت می شود، طی این دوره حتی ۱۰٪ هم بالا نرفته است!! داده ای که شنیدن آن زلزله بر اندام می اندازد اما واقعیت دردناک و رعب آور زندگی چند ده میلیون نفوس طبقه کارگر ایران است. رژیم برای استتار آنچه سرمایه بر سر انسانها می آرد، عوامفریبی تمامی اعصار تاریخ را از آغاز تا حال جمع آوری، نبش قبر، بازسازی می کند و ساز و برگ تعرض جنایت آمیز علیه زندگی کارگران می سازد. همه جا بانگ می زند که گویا سهم یارانه ها را ۸ برابر کرده است!! در حالی که عملاً ۴۵ دلار یارانه چند سال پیش را با ۳۸۰٪ کاهش به ۱۳ دلار رسانده است!! به بهانه افزایش سرتاسر دروغ و پوشالی یارانه می گوید که فقط بهای چند قلم مواد خوراکی را اندکی افزایش داده است!! اما اولاً این افزایش برق آسا نه اندک که بالای ۳۰٪ تا ۷۰٪ است!! ثانیاً اقلام مورد شمول افزایش نه ۵ کالا که کل خورد، خوراک، پوشاک، مسکن، دارو، درمان، ایاب و ذهاب، در یک کلام یکایک مایحتاج اولیه حیاتی توده کارگر است. وقتی قیمت هر عدد نان از ۲۰۰۰ تومان به ۵۰۰۰ تومان جهش می کند، در همان روز ساندویچ نیز از ۲۰ هزار تومان به ۵۰ هزار تومان صعود می نماید. بالا رفتن طغیان آمیز قیمت ها، در روی زمین زندگی طبقه کارگر، به زبان معیشت، ارتزاق، تغذیه، حیات و ممت کارگر کاهش فاجعه بار بهای نیروی کار او، ریزش مرگ آور و محو آگین کار پرداخت شده وی، بازتبدیل قهرآمیز کار کار لازم او، به کار اضافی یا سود طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه است. رژیم با سلاح افزایش قیمت ها عملاً آنچه را که زیر نام مزد به توده کارگر پرداخته است تا نیروی کار او را بازتولید و آماده استثمار مجدد سرمایه داران سازد، حتی همین را هم باز پس می گیرد تا بر کوه سود و سرمایه وحوش سرمایه دار بیافزاید. فراموش نکنیم که این مزد، حتی پیش از بازپس گیری و سلاخی اخیر، در بهترین حالت کمتر از ۱۰ درصد دنیای ارزشها، سودها و سرمایه هائی بوده است که طبقه کارگر تولید نموده و تسلیم سرمایه نموده است!!

همه این تعرضات سبعانه اینک توسط فاشیسم درنده اسلامی بورژوازی و دولت سرمایه، در حال اعمال است. رژیم از آینده آنچه می کند، نه عمیقاً اما تا حد زیادی ترسان است. ترس از طغیان توده های عاصی کارگر، شورش های سراسری کارگران گرسنه، آواره و کارتن خواب که بازتاب قهری این تهاجمات طوفانی خواهد بود. این هراس در همان حال فاحش نیست زیرا که رژیم موقعیت متشنت، سردرگم و زمینگیر جنبش کارگری را می داند، به قدرت سرکوب سازمان یافته و فاشیستی خود نیز هنوز اطمینان دارد. با همه این ها دست به کار یک سرکوب سیستماتیک، فاشیستی، بسیار نقشه مند است، شاخص مهم

سرکوب این بار و در دل این موقعیت، نقشه مندی بیش از پیش آنست. فاشیسم اسلامی بورژوازی می کوشد که قهر این بار هر چه استخواندارتر، فلج کننده تر، کوبنده تر، فرساینده تر و حتی المقدور مستتر و دارای پوشش های اغواگر لازم باشد، کاری که مدت ها است شروع گردیده و موفقیت هائی داشته است. رژیم بیشتر از پیش، فعالین کارگری، به ویژه عناصر اثرگذار اندرونی جنبش را بازشناسی کرده است، اطلاعات لازم در باره آنها را گرد آورده است. به محض اطلاع از برگذاری تظاهرات خیابانی، حتی اجتماعات تحصن وار شکایت آمیز، دست به انسداد راههای منتهی به محل تجمع می زند، بازجوئیهای خیابانی ترتیب می دهد، به کنترل افراد می پردازد، فعالان را از پیش راهی سیاهچال می کند. تلاش کرده است تا شبیخون فاشیستی اشرار حزب الله به تظاهرات را با کارکردهای موفقیت آمیزتر این چنینی جایگزین نماید، همزمان به فعال تر نمودن هر چه بیشتر جمعیت های مزدور در درون مراکز کار پرداخته است. سندیکاسازی کرده است و گیلانی نژادها را به جان اعتصاب گسترده کارگران پیمانی نفت انداخته است، در روزهای اخیر، به دنبال وقوع فاجعه برج متروپل، شورش کارگران آبادان و شهرهای دیگر، سناریوی شنیع اولترافاشیستی گردائی کودک سربازان در استادیوم ورزشی و دهها مراسم قرون وسطائی عزاداری فاشیستی مقابله جویانه را تدارک دیده است.

وضع چنین است و در این شرایط سؤال اساسی پیش روی هر کارگر در هر نقطه جهنم سرمایه داری ایران آنست که در قبال این تهاجمات دهشتزای طبقه سرمایه دار و دولتش چه می توان نمود و چه باید کرد؟ پاسخ چیزی نیست که در کارگاههای اندیشه رسی، نظریاتی، برنامه نویسی، استراتژی پردازی احزاب، گروهها، فیلسوفان، جامعه شناسان و آکادمیکرها تعیین و تقریر شود. پاسخ واقعی را باید در تدارک حی و حاضر جنبش کارگری و ظرفیت میداننداری روز طبقه کارگر جستجو نمود، اما ارزیابی این ظرفیت خود موضوعی بحث انگیز است. از نظر طیف پرآشوب راست و چپ اپوزیسیون، کارگران نه فقط حالا که همیشه، ذاتا، سرشتی تنها کاری که از دستشان ساخته است آنست که حاکمان فعلی را کنار زنند و یکی یا ائتلافی از آنها را بر اریکه قدرت بنشانند. که چه شود؟؟!! که روز از نوروزی از نو!! حکام جدید تازه نفس به جان دهها میلیون کارگر افتند و آنچه را که قبلا وحوش اسلامی یا شاهنشاهی سرمایه بر سر آنها آورده است، حادثه و هارتر به روز آنها آرند. اما رویکرد ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی، همواره، همه جا نقش توده کارگر را متضاد با طیف بالا و ظرفیت جنبش کارگری را در مداری ماهیتا ضد پندار جماعت مذکور دیده است. در نگاه این رویکرد، هر نوع آویختن کارگران به امامزاده های بالای سر، یک فاجعه سهمگین تاریخی، انسانی است، این فقط خود کارگران، توده وسیع طبقه کارگر، آحاد این طبقه است که باید و می توانند سلسله جنبان سیر رخداده باشند. سرنوشت خویش کلا، از جمله راه و چاه پیکار روز برای تعیین سرنوشت را تعیین کنند، برنامه ریزی نمایند، لباس اجرا پوشانند. طبقه ما به طور بالقوه عظیم ترین قدرت تاریخ است، قدرتی که اگر سازمان یافته، آگاه، شورائی، سرمایه ستیز وارد میدان شود، می تواند کل جهنم مشتعل سرمایه داری را با جهانی بدون هیچ گرسنگی، فقر، آوارگی، جنگ،

جهانی بدون استثمار، نابرابری، ستمگری، دولت، طبقات، جهانی مالا مال از رفاه، آزادی، بی نیازی، برابری، همبستگی انسانی جایگزین کند. ما این قدرت را داریم اما تاریخا، هیچ گاه، در هیچ دوره ای، به هیچ میزان آن را برای رهائی خود، برای خلاصی خویش از شر استثمار، سببیت و موجودیت سرمایه داری به کار نگرفته ایم، همه جا، آن را تسلیم وحوش متفرق بورژوازی نموده ایم تا حسابهای خویش را با هم تسویه و متفق، متحد، اختاپوس دهشت سرمایه داری را حفظ و بر سر خود ما آوار کنند. آنچه الان نباید بکنیم این است و آنچه باید بکنیم راه افتادن برای ارتقاء به یک قدرت سازمان یافته، سراسری شورائی ضد بردگی مزدی است. اما قدرت شورائی سازمان یافته ضد سرمایه داری یک حزب نیست که با نوشتن مشتی اصول و فروع، برنامه حداکثر و حداقل، تنظیم قطعنامه و تعیین تاکتیک در هفت پستوها، یا پایتخت این و آن کشور پدید آید. قدرت شورائی متشکل ضد بردگی مزدی را فقط توده وسیع کارگری می سازد که در حال جنگ با سرمایه است و کل مصالح، تار و پود و دانش معماری این قدرت را از از کارزار ضد سرمایه داری خود بیرون می آرد. مبارزه ضد سرمایه داری معنای زمینی بسیار مشخص و ملموسی دارد، سرمایه ما را استثمار می کند، ما را از تصاحب حاصل کار و دخالت در سرنوشت کار، تولید و زندگی خود ساقط می کند، هر گام از پیکار ما باید گامی برای خارج سازی هر چه عظیم تر حاصل کار خود از چنگال وحوش سرمایه دار باشد، جنگ ما از اینجا آغاز می گردد، اما سرمایه دولت دارد، ارتش دارد، پلیس دارد، سپاه و بسیج و لباس شخصی دارد، سازمان های اختاپوسی اطلاعات سپاه و دولت، حوزه های علمیه متعدد دارد. سندیکای فلزکار مکانیک و گیلانی نژاد و دهها هزار عماله و اکره این چنینی دارد، سرمایه در همه وجوه هستی خود، با تمامی این جنه عظیم یکپارچه در مقابل ما قرار دارد، جنگ ما برای خارج سازی هر مقدار حاصل کار و تولید خویش، هر لحظه و هر میزان زندگی خود از چنگال قهر و قدرت سرمایه داری ناچار و ناگزیر جنگی علیه همه اینها است. اما واقعیت این است که ما تمامی ظرفیت و توان لازم برای این جنگیدن را داریم. آنچه اساسی است آنست که این قدرت را شورائی، سراسری سازمان دهیم و علیه سرمایه اعمال کنیم، همصدا و همرمز اعلام داریم که خواستار خارج شدن کل خورد و خوراک، پوشاک، دارو و درمان، مسکن، آموزش، مهد کودک ها، مراکز نگه داری سالمندان و معلولان از سیطره داد و ستدهای کالا - پولی سرمایه داری گردیم، همه، مستقل از شاغل یا بیکار، زن، مرد، کوچک و بزرگ باید به اندازه کافی از این امکانات برخوردار باشند و در ازای داشتن آنها ملزم به پرداخت هیچ ریالی نباشند. این خواست عملا متضمن الغاء کار خانگی زنان و بیشترین میزان کاهش فشار استثمار مضاعف آنان است. همزمان خواستار ممنوعیت مطلق دولت در امور شخصی زندگی انسان ها گردیم، این خواست ها و مطالبات رادیکال مشابه را به مثابه محتوای فوری کیفرخواست روز، بر سر طبقه سرمایه دار و

دولتش فرو کوبیم، پیداست که بورژوازی با کل قدرت قهر فاشیستی خود وارد میدان خواهد شد و ما نیز باید و می توانیم یکپارچه، با قدرتی عظیم تر، زیر بیرق واقعی رهائی انسان، وارد کارزار شویم، کل مراکز کار و تولید سرمایه داری را از سواحل خلیج تا کرانه خزر، از دامنه های آارات تا بندر چاه بهار، از سرخس تا پارس جنوبی را به ورطه تعطیل اندازیم، آب را بر این مراکز ببندیم، برق کل مؤسسات تولید سود را خاموش سازیم، اینها آرمان نیست، اتویی نیست، طبقه ما بارها این کار را در همین اشل و اندازه انجام داده است، شوربختی وصف ناپذیری است که این کار را به کرات کرده ایم اما نه برای خود که پشت سر بخشی از وحوش سرمایه دار علیه بخشی دیگر و حاصل این کارکردها همین وضعی است که الان داریم. بیائید برای همیشه طومار گمراهه رفتن ها را بر بندیم. همصدا، همدست و همرمز چرخ کار را در تمامی کارخانه ها، فروشگاهها، راهها، بنادر، بانکها، مدارس، دانشگاهها، آب، برق، نفت، گاز و همه جا از چرخش باز داریم. کل این مراکز را به تصرف خود در آوریم، شورا سازیم و با شوراهای خویش به اداره آنها، به برنامه ریزی کار و تولید آنها، به چه تولید شود و چه تولید نشود در آنها، چه کاری انجام گیرد و چه کاری تعطیل شود در آنها پردازیم، کل خانه های خالی صاحبان مستغلات را از چنگ آنها خارج و محل سکونت بدون هیچ اجاره بهای بی خانمان ها سازیم. کل اینها ممکن و مسلما ممکن است. باید راه افیتیم و هر کدام به عنوان سلول زنده یک ارگانیسم، دست به کار سازماندهی قدرت شورائی سراسری ضد بردگی مزدی گردیم. با دخیل بستن به دولت سرمایه، عریضه نگاری، بست نشینی، تنظیم شکوائیه، تحصن، اعتصابات پراکنده بدون هیچ همبستگی شورائی پاینده، شورش های خیابانی فاقد هر نوع دورنما، نقشه عمل، استخوان بندی آگاه قدرت، با عزیمت از همیشه کارگر ماندن و جاودانگی کار مزدی، با دخیل بستن به کارزار آرایش و پیرایش این نظام بشرستیز به شکلهای مختلف از جمله جایگزینی الگوهای مختلفش با هم، از راههای مختلف از جمله سرنگونی یک رژیم و به قدرت رساندن رژیم دیگر، با هیچ کدام اینها، با کل اینها هیچ و مطلقا هیچ گرهی از کوه مشکلات ما حل نمی گردد، هیچ نانی به سفره خالی فرزندان ما نمی آید، هیچ بیکاری شاغل نمی گردد، هیچ گورخوابی دارای سرپناه نمی شود، تغییر وضع موجود در هر سطح و به هر میزان محتاج داشتن یک قدرت سازمان یافته شورائی سراسری ضد سرمایه داری در پروسه پیکار واقعی علیه سرمایه در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی است، این پیکار و سازماندهی این قدرت حتما ممکن است، باید راه افتاد، دست به دست هم داد، بیرق رهائی افراشت، با سرمایه داری جنگید، رژیم سرمایه را در هر شکل، زیر هر نام برای همیشه سرنگون کرد و نظام بردگی مزدی را نابود ساخت. بیائید پرچم این پیکار را برافرازیم، پرچمی که در کنارش جنگیدن گواه عزم راسخ طبقه ما برای رهائی کل بشریت باشد.

پزشکان کارگر، پزشکان سرمایه دار



فعالین لغو کارمزدی / خرداد ۱۴۰۱

کارگر یا سرمایه دار بودن آدم‌ها را رشته آموزشی، مدرک تحصیلی، محل اشتغال یا مولد و نامولد بودن کارشان تعیین نمی‌کند، هستی اجتماعی و کل تعلقات طبقاتی آنان است که در این گذر حکم می‌دهد و خط تفکیک می‌کشد. کارگر فروشنده نیروی کار است و فروشنده‌ی نیروی کار معنای زمینی، طبقاتی، مارکسی و ریشه‌ی کاو خود را دارد. هر که «حقوق» گرفت کارگر نیست، هر که مزدی هم پرداخت لزوماً سرمایه‌دار نیست. فروش نیروی کار، جدا شدن فروشنده از کار خویش، بیگانه شدنش با کار خود، تبدیل شدن کار و حاصل کارش به سرمایه، صف کشیدن کار بیگانه شده‌اش در هیأت سرمایه، علیه تمامی هست و نیست وی، ساقط شدن از حق دخالت در تعیین سرنوشت کار و تولید خویش، سقوط کامل از هر گونه دخالت واقعی، آزاد، مختار و اثرگذار در رقم زدن زندگی خود، تحمل اجباری و قهری حکمرانی سرمایه در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، مدنی، حقوقی، فکری، فرهنگی یا کل قلمروهای زندگی اجتماعی، تحمل جبرآمیز تمامی اشکال وارونه‌پردازی، مسخ و تحریفی است که سرمایه‌قهر از همه این واقعیت‌ها به عمل می‌آورد و مستولی می‌سازد. یک پزشک کارگر است زمانی که معیشت، شرایط زندگی و کارش، سهمش از کل حاصل کار و تولید، موقعیت او در سازمان کار موجود، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظم جامعه حاضر، مصداق شاخص‌ها و ویژگی‌های بالا باشد. پزشک همچنین سرمایه‌دار است زمانی که رابطه خرید و فروش نیروی کار در کلیه تشخص‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری، فرهنگی، برنامه‌ریزی، سهم از فراورده‌های کار و تولید و نوع اینها در مجموع و جدا از تمایزات جبری جاری میان بخش‌های مختلف طبقه سرمایه‌دار به نفع وی باشد و بر وفق خواسته‌های او چرخد. فراموش نکنیم که سرمایه‌دار هیچ لازم نیست مالک تراست صنعتی، بانکدار، تاجر، صاحب کمپانی حمل و نقل و مشابه اینها باشد. بدون اینها هم می‌تواند نه فقط سرمایه‌دار که عنصر سلسله‌جنبان آوارسازی کل استثمار، سببیت، بربریت، جنگ افروزی و فاجعه‌آفرینی سرمایه‌به‌بدترین شکل آن بر سر توده‌های کارگر دنیا باشد.

نکات بالا را برای نظریه پردازی نیاوردیم، مقدمه ای برای پیش کشیدن بسیار موجز و اشاره وار موضوعی است که این روزها همه جا بر سر زبان ها است. از خودگذشتگی ها، شجاعت ها، فداکاری ها، انسانیت ها و انسان گرایی های بسیار پرشکوهی که جمعیت چشمگیری از کارکنان بخش درمان اعم از نظافتچی، کمک بهیار، بهیار، کمک پرستار، پرستار، تکنیسین، پزشکان عمومی، روانشناسان، دندانپزشکان، طبیبان متخصص، روانپزشکان، جراحان، متخصصین بیهوشی و غیره برای نجات جان بیماران مبتلا به کووید ۱۹، در چهار گوشه جهان و بیش از همه در ایران، به نمایش نهاده اند. در این گذر نیاز به هیچ بحثی نیست. صحنه هایی از شکوه، عزت، کرامت، فداکاری، ایثار و شرف انسانی که این جماعت با کار خویش به تصویر کشیده اند، فراتر از آن است که به توصیف آید. آیا همه آحاد این جمعیت فداکار یا نماد پدرخشش اخلاق پرشکوه انسانی را کارگران بخش درمان تشکیل می دادند؟ این پرسشی نیست که بتوان با دقت ریاضی به آن پاسخ داد و از آن مهم تر و اساسی تر، چنین پاسخی لازم هم نیست. در جهنم بردگی مزدی قطعاً افکار، فرهنگ، باورها، اخلاق و ارزش های اجتماعی طبقه مسلط است که بسان بمب بر سر کل جامعه از جمله طبقه کارگر فرو می ریزد اما شرایط کار و زندگی، مبارزه طبقاتی، میدان داری ها، ارزش پردازی ها و ملاک آفرینی های جنبش کارگری و بالاخص جنبش ضد سرمایه داری این طبقه نیز متناسب با توانائی، وسعت، خروش و تاخت و تاز خود تأثیر خاص خود را بر جای می گذارد، تغییر می دهد، می آفریند، جایگزین می سازد و در این گذر حتی افراد و عناصری از طبقه دشمن را با کیفی خواست بسیار پرشکوه انسانی خود میخکوب می کند. این نکته بنیادی و واقعی را هم باید وارد محاسبات ساخت. مارکس در همان لحظه که با تکیه بر کوه عظیم کالبدشکافی های رادیکال طبقاتی از تاریخ، بر سر چشمه واقعی پرخروش کمونیسم در ژرفنای هستی اجتماعی و جنبش توده های کارگر انگشت تأکید می کوبید، این را هم یادآور می شد که احتمال اثرپذیری و پرتوگیر شدن افرادی از طبقات اجتماعی دیگر، از این جنبش تحت شرایط خاص وجود دارد. بعلاوه از یاد نبریم که کمونیسم طبقه کارگر پیامی صرفاً به کارگران نیست، مانیفستی خطاب به بشریت است زیرا مانیفست رهایی انسان حتی وحوش سرمایه دار از گنداب بربریت زای سرمایه داری است. در این میان و با همه این حرفها، اما یک چیز را باید با همه قاطعیت لازم و بدون هیچ تردید یا حتی ابهام تأکید کرد. آنچه تک، تک کارکنان بسیار ایثارگر و از خود گذشته بخش درمان انجام دادند، به هیچ وجه از هستی اجتماعی طبقه سرمایه دار، از زمین زندگی و فکر و فرهنگ و ارزش های اجتماعی این طبقه درنده بر نمی خیزد، با آن نمی تابد و سر آشتی ندارد. آنچه اینان به نمایش نهادند خصوصیات، خلیقات و رفتاری است که شایسته انسانهای کارگر پیراسته از آلودگیها، پلیدیها و پلشتی های سرمایه داری است. ما این ها را افراد طبقه خود می دانیم.

اما ببینیم و بکاویم که پزشکان سرمایه دار در این راستا چه کرده و در طول این مدت دست به چه کارهایی

زده اند؟ تکلیف دولتمردان پزشک کاملاً روشن است، آنها جزء لایتجزای ساختار موجودیت و قدرت سرمایه اند، در اعمال کلیه توحش ها، قتل عام ها، دروغ پردازی ها، عوامفریبی ها و بربریت ها علیه کارگران، دژخیمانۀ ترین و سفاکانۀ ترین نقش ها را ایفا نموده اند. در مورد اینان نیاز به گفتن نیست. سخن بر سر خیل عظیم پزشکی است که شاید دولتی هم نیستند، حداقل، آرایش دولتی ندارند، چه بسا اپوزیسیون نشین و منتقدان پر سر و صدای مدیریت، صلاحیت، کفایت و کمبود «شایسته سالاری» حاکمان روز سرمایه داری باشند. این جماعت به محض شنیدن اخبار مربوط به ظهور کرونا در چین، بدون هیچ درنگ با آغوشی بسیار گشاده، هیجانی پر خروش و تجهیزاتی نیرومند به استقبال و بیروس رفتند، از ژرفنای وجود مقدمش را گرمی داشتند، ورودش را نعمت، شیوعش را فرصت، کشتار آفرینی و حمام خونهایش را طلوعی فرخنده و میمون در آفاق سرمایه گذاری ها دیدند. مصمم و آهنین عزم دست به کار شدند تا پاندمی کرونا را به طلائی ترین حوزه انباشت سرمایه و گسترش پاندمیک آن را ساز و برگ طغیان سونامی های سود سازند. شروع به برپائی بیمارستان های شخصی کردند، شبکه های مافیائی چیره دست آفریدند، از درون این شبکه ها پروتکل های عظیم تجاری امضاء کردند. بیماران را از مراکز مختلف درمانی به سوی بیمارستان های شخصی راندند. برای این کار به استخدام نیروی کار پرداختند، همزمان با تمامی نهاد های بانکی، مؤسسات بازرگانی، سازمان های دولتی و مافیاهای اقتصادی وارد گفتگو شدند، با ارز دولتی وافی و کافی شروع به واردات کالاهای مورد نیاز این تجارت از قبیل ماسک، دستکش، کپسول اکسیژن یا وسائل دیگر کردند، همه این فعالیت ها را به طور گسترده انجام دادند، تا چه کنند؟ تا جمعیت نفرین شده و سیه روز کارگران مبتلا به کووید ۱۹ را زیر نام درمان آماج و حشیمانۀ ترین سلاخی ها قرار دهند، تا اگر این کارگران ریالی برای هزینه معاش، اجاره بهای مسکن یا دارو و درمان کودکان خویش برایشان باقی مانده از دستشان خارج و سود کثیف سرمایه های پیش ریز شده خویش سازند، تا طبابت را سرمایه با سودهای عظیم و پر خروش کنند، تا هر چه انسانی و انسانیت است را بمباران و حاصل این بمباران را سرمایه و سود کنند. در همان روزهایی که جمعیت عظیم پرستار، پزشک، کمک پرستار، بهیار، تکنیسین و در یک کلام کارگران شبکه درمان پرشکوه ترین صحنه های تلاش برای نجات جان بیماران را به نمایش گذاشتند، این بخش پزشکان نیز میداندار شیفته و دلباخته این سرمایه گذار یها گردیدند. آنها کار بسیار وقیح تر، بی شرمانه تر و جنایت آمیزتری را هم انجام دادند، حتی از خودگذشتگی ها، فداکاریها و عشق انسانی شفاف اولیها به انسان را هم غارت و در نهایت سبعت و بی شرفی، ساز و برگ افزایش سود خود کردند. کارگران ایران در همان حال که ارجگذاری خویش از شرافت، ایثار و انسانیت پرشکوه کارگری بخش نخست را بر سینه تاریخ ثبت می کنند، موج نیرومند قهر، انزجار و نفرت را هم نثار جماعت دوم، سرمایه داران پزشک می سازند.

آزاد سازی قیمت ها: راه حل رژیم برای فرار از بحران



امید خرم / خرداد ۱۴۰۱

دولت سرمایه عزم جزم کرده که برای تامین کسری بودجه و رضایتمندی سرمایه داران (کارتل ها، تراست ها، هلدینگها، سرمایه داران بزرگ و خرد) که حاکمیت سرمایه آن ها را نمایندگی می کند و مدام از گرانی مواد اولیه تولید، شکوه و شکایت می کنند، قیمت ها را افزایش دهد. نه تنها سرمایه داران داخلی که از آزاد سازی قیمت ها منتفع می شوند بلکه نمایندگان فکری جناح های بورژوازی که با نام اپوزیسیون تعریف می شوند و افکار بورژوازی و دفاع از مناسبات تولید ارزش اضافی را کراراً به خورد طبقه کارگرمی دهند نیز از اجرای طرح آزادسازی قیمت ها از سوی مدیریت ریسی پشتیبانی کردند. این که رژیم اسلامی سرمایه در بحران دست و پا می زند و این بحران هر روز در حال افزایش است واقعیتی است که بارها به آن پرداخته و تحلیل شده است اما تشدید هر روزه بحران به جایی رسیده که رژیم با کسری عظیم بودجه مواجه شده است. تولید عظیم ارزش اضافی از استثمار نیروی شبه رایگان در حوزه کشاورزی، صنعت، خدمات، نفت و... تکاپوی نیاز سرمایه را نمی کند. علاوه بر نیاز داخلی سرمایه، هزینه نیروهای نیابتی که از سال ها پیش برای افزون خواهی در کشورهای سوریه، لبنان، عراق، یمن و گروه های ارتجاعی مستقر کرده بر دوش کارگران است. با وجودی که چند سال است قدرت رژیم سرمایه داری ایران در منطقه روبه افول است اما نیاز سرمایه داری ایجاب می کند که به این سیاست ها ادامه دهد. بخش زیادی از سرمایه هایی که بوسیله کارگران تولید می شود و در اختیار دولتها قرار می گیرد، صرف تسلیحات نظامی برای به بند کشیدن و سرکوب اعتراضات کارگری و جنگ های رقابتی بین سرمایه ها می شود. این موضوع بویژه در ایران چشم گیر است. تولید و خرید ابزارهای جنگی و اطلاعاتی، هزینه بر می باشند.

هزینه های مورد نیاز سرمایه فراتر از ارزش اضافی است که توسط خالقین سرمایه ها تولید می شود. کسری بودجه و بحران عمیق نظام، مانع از آن است که ریالی به دستمزد کارگران افزوده شود. این که فلان وزیر و یا بهمان نماینده مدافع افزایش دستمزد کارگران است و مثلاً قرار است دستمزد ها ۱۰٪

و یا ۵۰٪ افزایش یابد، دروغی محض است که طبق روال متعارف، سرمایه به خورد کارگران می دهد. نتیجه معمول این کارها و حرف ها افلاس و نابودی ما کارگران گرفتار در بند نظام کارمزدی است. وجود اختلاف ها در میان جناح های سرمایه بر سر سرمایه اندوزی و انباشت و چپاول از محصول نیروی کار واقعیتی است که نمی توان آن را نادیده گرفت. اما در اجرای طرح آزادسازی قیمت ها که ولایت امر سرمایه پشتیبان آن است اگر اختلاف منافع بین نهاد هایی چون مجلس و دولت سر باز کند، با نهیب خامنه ای فروکش خواهد کرد. اختلاس و چپاول در رژیم اسلامی سرمایه بر سر سهم بیشتر از ارزش اضافی از نظام کار مزدی بر می خیزد. بسیاری از این جناح ها با همین اختلاس ها در شرکت های بزرگ خصوصی و دولتی سرمایه گذاری کرده اند و تا جایی که وفادار نظام تولید ارزش اضافی باشند مصونیت قضایی دارند و دستشان در انباشت سرمایه باز است. آنجا که موضوع خیزش طبقه کارگر مطرح باشد و سرکوب طبقه کارگر در دستور کار باشد، همه متحد عمل می کنند.

کسری بودجه دولت با توجه به هزینه های سر به فلک کشیده اش باعث شده که اقتضانات دولت سرمایه به تولید ارزش اضافی حدوداً ۱۵۰۰ درصدی هم اکتفا نکنند، و با بالا بردن قیمت کالاها ضروری و هم چنین بالا بردن هزینه دارو، درمان، سرپناه و... کسری بودجه را با هستی کارگران تاخت بزند. رژیم سرمایه با اجرای آزادسازی قیمت ها و به تبع آن برای مقابله با شورش های کارگری، سازماندهی شده و مصمم در سرکوب کارگران است. با هجوم سازمان یافته سعی می کند هزینه های جنایت آفرینی فاشیستی را پایین بیاورد و در به بند کشیدن و سلاخی کارگران هیچ تعللی ندارد. دولت فاشیستی سرمایه برای اجرای این طرح، برنامه ریزی های لازم و هماهنگ را با وزرا و مدیران سرمایه انجام داده است. برای جلوگیری از گسترش شورشها به شهرهای بزرگ چون تهران، اصفهان، اهواز و... حکومت نظامی ناخوانده برقرار کرده و خیابان های این شهرها را با نیروهای سرکوب و کلیه تجهیزات قرق کرده است. رژیم برای اجرای طرح آزادسازی قیمت ها تنها سدی که در سر راه خود می بیند اعتراضات و شورش توده های کارگراست. رژیم اسلامی سرمایه همان طور که در سرکوب شورش آبان برای اجرای قیمت بنزین از قبل برنامه ریزی کرده بود، می خواهد به کارگران مجال ندهد و سازمان دهی شده تر کارگران شورشی را شناسایی و مورد حمله قرار دهد. آنجا که با هجوم کارگران ضد سرمایه داری روبرو می شود، کارگران را به گلوله می بندد، و برای ایجاد رعب و وحشت و ایجاد بهانه برای کشتار بیشتر کارگران، خود در شکستن شیشه بانک ها پیشقدم می شوند.

در مقابل هجوم سازمان یافته دولت فاشیست سرمایه برای اجرای آزادسازی قیمت ها چه باید بکنیم؟ شورش های کارگری با مرگ بر فلان و بهمان فرد، شاید برای جناح هایی از بورژوازی که مترصد رسیدن

به قدرت هستند، خوش آیند باشد اما برای جنبش کارگری سرمایه ستیز که تنها و تنها با نفی و لغو خرید و فروش نیروی کار می تواند از جهنم سرمایه داری رهایی یابد، با صرف طلب مرگ برای فلان سرمایه دار یا رییس دولت، بی راهه رفتن است. قدرت سرمایه در کارخانه ها، شرکت ها، خانه های خالی و.... است که محصول نیروی کار است و در اختیار سرمایه داران قرار دارد. برای مقابله با سببیت سرمایه باید پایه های مادی سرمایه را مورد هجوم قرار داد. طبقه ای که طی این سال ها با تمام ضعف هایش به کرات چرخ تولید را از حرکت بازداشت این قدرت و توان را دارد که با سازماندهی سراسری شورایی قیام کند. خانه های خالی را اشغال و در اختیار کارتن خواب ها و بی سرپناهان قرار دهد. کارخانه ها، تراست ها و کارتل ها را به تصرف درآورد.

جنبش کارگری با وجود رگبار مداوم نگاه رفرمیستی از سوی سندیکا و اتحادیه داران و احزاب و آوار رویکرد لنینی که همه یک صدا این جنبش را برای به قدرت رسیدن خود می خواهند، در بخش هایی رو به جلو بوده و در بخش های بسیاری به خوبی از موانع پیش رو عبور کرده است. مبارزات جاری کارگران و با اتکا به نیروی خود، عملاً رویکرد رفرمیست ها را از جنبش کارگری به عقب رانده است. کارگران به نیروی خود اعتصاب می کنند و به شورش علیه سرمایه روی می آورند. بعضی از کارگرانی که دریافتی شان ۵ تا ۶ میلیون تومان است و سرپناه و یا اتوموبیلی دارند از لیست یارانه گیران حذف شده اند در نوشته ها و گفت و گوهایشان از قطع بودجه های کلان صدا و سیما، مجلس، حوزه های علمیه و.... می گویند. هر کدام از این نهادها که پول های کلان به آن ها اختصاص داده می شود، در تداوم این نظام و سرکوب مبارزات کارگران نقش دارند. تراستهای عظیمی که زیر نظر خامنه ای می باشند و تولید انباشت سرمایه در این کارتل های بزرگ و میزان تولید ارزش اضافی در آن ها سر به مهر است از دادن مالیات معافند و حیات خلوت سرمایه اندوزی بیت رهبری هستند و عملاً ورود به آنها جزء محرمانه نظام سرمایه داری است. کلیه روزنامه های جیره خوار دولت از درج اخبار کارگری و نیز درج حساب و کتاب این نهادها منع شده اند. جنبش کارگری به اتکا نیروی خود چند هزار اعتصاب را بطور خود پوی سازماندهی کرده است. این که نتوانسته در مقابل دیکتاتوری سرمایه انطور که شایسته توان قدرت طبقه کارگر است به میدان آید بخاطر پراکندگی مبارزات، محصور شدن هر بخش کارگری زیر چتر فلان کارخانه یا تحت نام کارگران سرمایه دار بوده است. عبور از فقر و تنگدستی و بهبود زندگی در هر سطحی و مقابله با موج جدید حمله رژیم سرمایه به سفره ما کارگران، تنها و تنها با اتحاد در قالب جنبش یکپارچه شورایی ضد سرمایه داری ممکن است.

گزارش برخی از اعتراضات کارگری روزهای اخیر

--- / خرداد ۱۴۰۱

روز ۲۵ اردیبهشت رانندگان و دیگر کارگران شرکت واحد که در اسفند ماه سال ۱۴۰۰ بازنشسته شده‌اند اما با گذشت بیش از دو ماه، چهار درصد حق بیمه آنان مربوط به مشاغل سخت و زیان آور پرداخت نشده است و همچنین سنوات خدمت‌شان پرداخت نشده است، تجمع اعتراضی کردند. این در حالی است که همین روز ۲۵ اردیبهشت کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران دست به اعتصاب زدند. اعتصاب تمامی کارگران شرکت واحد در بخش‌های مختلف تهران شکل گرفته است. اتوبوس‌ها در منطقه پارک وی تهران مسافر سوار نمی‌کنند. بلیط فروش ایستگاه اتوبوس ونک میکه راننده‌های شرکت واحد خط پارک وی ولیعصر به خاطر دستمزدشون اعتصاب کردن! از اولین ساعات بامداد روز سه شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در سامانه‌های خطوط "بی آر تی"، کارگران واحدهای تعمیرگاه و پنجری و توقفگاهها هم به اعتصاب پیوستند. به دنبال اعتصاب روز دوشنبه، چندین تن از کارگران توسط نهادهای امنیتی سرکوب سرمایه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. رانندگان اعلام کرده‌اند تا آزادی کامل بازداشتی‌ها و تحقق مطالبات به این اعتصاب ادامه خواهند داد.

کارکنان بیمارستان مرکز قلب تهران روز سه شنبه ۲۷ اردیبهشت در اعتراض به پایین بودن دستمزد، عدم پرداخت سختی کار به مدت ۱۰ سال دست به تجمع زدند.

کارگران قراردادی نفت اهواز در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و افزایش بی انقطاع هزینه‌های زندگی همراه با اضافه ده درصدی دستمزدها در سال جدید، تجمع کردند. امروز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت کارگران قرارداد موقت در شرکت‌های بهره‌برداری کارون، مارون و آعاجری در اعتراض به افزایش ده درصدی دستمزدها برای چندمین روز دست به اعتراض زدند. در اهواز تجمع کارگران مقابل ساختمان مناطق نفتخیز جنوب و در آعاجری مقابل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز بود.

رانندگان پیک موتوری اسنپ فود در اعتراض به سطح نازل دستمزد، شرایط سخت کار و نداشتن تسهیلات شغلی و بیمه روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. این کارگران روز ۲۹

اردیبهشت ۱۴۰۱ دومین روز تجمع رانندگان موتورسی اسنپ در اعتراض به پایین بودن کرایه‌ها و دستمزدهایشان به اعتصابشان ادامه دادند.

صبح روز ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران قراردادی نفت و گاز و حفاری اهواز، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون، مارون و آماجاری برای چندمین روز طی هفته جاری به طور جداگانه در اعتراض به عدم اجرای افزایش دستمزد، کاهش روزهای کاری به ۲۰ روز در محل کار خود تجمع کردند.

اعتصاب کارگران در پتروشیمی آدیش صنعت و مخزن سازی به پیمانکاری کرمی ادامه دارد. بیش از ۲۰ روز است که ۱۲۰ کارگر در اعتراض به عدم افزایش حقوق طبق مصوبه مدیر منطقه ویژه با ۳۸ درصد همچنان در خانه مانده و زیر بار این زورگویی نمی‌روند. هر چند کرمی سرمایه دار شرکت به کارگران پیام داده است که ۱۰/۲۰ را پذیرفته اما با کوچکترین افزایش حقوقی هم موافقت نکرده است.

صبح روز شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه جمعی از کارگران پیمانکاری شهرداری تهران در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود در مقابل ساختمان شهرداری دست به تجمع زدند. به گفته کارگران دستمزد فروردین این کارگران حتی کمتر از دستمزد اسفند سال گذشته بوده است!

گروهی از کارگران شهرداری قروه در استان کردستان روز شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه دستمزدهای معوقه خود اجتماع کردند. آن‌ها گفتند اگر مدیریت شهرداری راهکاری برای پرداخت بدهی‌های خود به کارگران پیدا نکند همه کارگران دست به اعتصاب خواهند زد.

شماری از کارگران و کارکنان بازنشسته ساکن خانه‌های سازمانی مجتمع نی شکر هفت تپه، صبح امروز شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه در مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. این کارگران که همگی بازنشسته و ساکن خانه‌های سازمانی مجتمع هفت تپه هستند می‌گویند، اخیراً اخطار فوری از مدیریت هفت تپه برای تخلیه خانه‌هایی که سالهاست در آن سکونت دارند دریافت کرده‌اند. اعتراض امروز ما برای تخلیه نکردن خانه‌های سازمانی نیست بلکه خواستار دریافت هزینه‌هایی هستیم که طی این سال‌ها برای تعمیرات این خانه‌های غیر قابل سکونت انجام داده‌ایم.

کارکنان قرارداد موقت صنعت نفت امروز شنبه سی و یکم اردیبهشت ماه در اعتراض به امتناع وزارت نفت از افزایش دستمزد به میزان مصوب وزارت کار، و با خواست تعیین وضعیت شغلی خود، و به افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارگران مقابل ساختمان مرکزی این وزارت خانه تجمع کردند.

روز یکشنبه ۱ خردادماه ۱۴۰۱، بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای قزوین، کرمانشاه، اهواز، رشت، تهران، تبریز، کرمان، کرج، اراک، اردبیل، رامهرمز، شوشتر، در اعتراض به سطح نازل

دستمزدهایشان مقابل سازمان تامین اجتماعی دست به تجمع زدند.

کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه دستمزد معوقه خود، جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. شهردار یاسوج در بین کارگران حاضر و کارگران را تهدید به پایان دادن به تجمع اعتراضی کرده و گفته است تجمع شما آرامش جامعه را بر هم زده و موجب سوء استفاده بیگانه و دشمن خواهد شد. یکی از کارگران در پاسخ به شهردار گفته است: ما حقوقمان را می خواهیم و کاری با این حرف ها نداریم، در طول تمام سال زیاله ها را از دشت روم تا مادوان جمع می کنیم، تمام این شهر را تمیز می کنیم. یکی دیگر از کارگران گفت: ۱۲ ساعت کار می کنیم، پول کرایه نداریم، مجبوریم مسیر را پیاده برویم. مجبوریم، اگر اعتراض کنیم تهدید به اخراج می کنند.

رانندگان اسنپ فود و اسنپ باکس در اعتراض به پایین بودن دستمزد و افزایش سرسام آور هزینه های کار و زندگی از روز یکشنبه اول خردادماه، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران راننده اسنپ از روز یکشنبه اول خرداد تا ۵ خردادماه ادامه خواهد داشت. این کارگران خواستار احتساب سنوات، تامین سوخت و در نظر گرفتن سختی کار هستند. آنها همچنین خواستار داشتن امنیت شغلی، پرداخت تسهیلات، مزایای شغلی و حق بیمه توسط کارفرمای سرمایه می باشند.

کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق عقب افتاده و قطع شدن بیمه و معوقه های عقب افتاده دوشنبه ۲ خرداد دست به اعتصاب زدند.

کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت غربی روز سه شنبه ۳ خرداد ماه با برپایی تجمعی خواستار حذف شرکت های پیمانکاری و تامین امنیت شغلی خود شدند. کارگران معترض، این معدن در استان گلستان واقع شده اما از واحدهای زیرمجموعه شرکت معدنی شمال شرق شاهرود در استان سمنان است.

گروهی از **کارگران آبفا بنگلان واقع در استان هرمزگان** روز سه شنبه ۳ خرداد ماه در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود و شرایط سختی کار دست به تجمع زدند. آنها می گویند از اسفندماه ۱۴۰۰ تاکنون هیچ گونه حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند.

روز سه شنبه ۳ خرداد ماه جمعی از **کارگران شهرداری صمصامی از توابع بخش دوآب شهرستان کوهرنگ** در استان چهارمحال و بختیاری، در اعتراض به عدم پرداخت هفت ماه دستمزد معوقه خود در مقابل ساختمان شهرداری دست به تجمع زدند.

کارگران قرارداد مدت موقت شرکتهای تابعه وزارت نفت در اعتراض به مصوبه ضد کارگری هیات وزیران در افزایش ۱۰ درصدی حقوق است صبح روز (۴ خرداد) دست به تجمع زدند. این کارگران می

گویند با وجود وضعیت شغلی کارگری و داشتن رده حقوقی کارگری، اکنون مشمول حقوق کارمندی بوده و در زمینه افزایش حقوق به جای ۵۷.۴ درصد، مشمول افزایش حقوقی ۱۰ درصدی شده‌اند و عیدی آنان نیز تاکنون پرداخت نشده است.

روز چهارشنبه ۴ خردادماه، کارگران کارخانه کیش چوب در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه دستمزد و عیدی خود در محیط کار خود تجمع کردند.

صبح روز چهارشنبه ۴ خرداد کارگران سد سفارود در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مطالبات باقی مانده (۵ماه حقوق به همراه عیدی و سنوات و بیمه خدمات تامین اجتماعی) در ورودی کارگاه سد تجمع کردند.

روز پنجشنبه ۵ خردادماه کارگران پروژه‌ای شرکت ناورود پتروپالایش کنگان در اعتراض به عدم افزایش دستمزد امسال، عدم اجرای نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت و وضعیت نامناسب غذا و خوابگاه‌های غیربهداشتی مجدداً دست به اعتصاب و تجمع زدند. این کارگران در ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز با همین خواست‌ها دست به اعتصاب زده بودند.

بدنبال فروریزی ساختمان متروپل آبادان و کشته و نا پدید شدن کارگران در میان آوارها توده های شهرهای آبادان، خرمشهر، بندرعباس، بهبهان، الیگودرز و شاهین شهر اصفهان روز پنجشنبه ۵ خردادماه به خیابان‌ها آمده و آتش خشم خود را علیه سرمایه داران، دولت سرمایه و مدیران محلی آن نشان دادند. توده های کارگر شهر آبادان از روز دوشنبه دوم خرداد ماه، که بخشی از ساختمان ۱۰ طبقه برج متروپل آبادان فروریخت هر روزه در خیابان های شهر دست به اعتراض علیه رژیم اسلامی سرمایه و مدیران و کارگزاران آن زده اند.

#شورایی_وَضد_سرمایه_داری_متشکل_شویم
#کارگران_ضد_سرمایه_داری

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye